

تحلیل داستان «اولین برف» در چارچوب نظریه «جهان متن»

ایفا شفائی^۱

چکیده

در این مقاله قصد بر آن است تا داستان «اولین برف» از مجموعه داستان‌های گی دوموپاسان^۲ بر اساس «نظریه جهان متن»^۳ تحلیل شود. نظریه جهان متن چگونگی درک اثر ادبی را می‌نمایاند. مشارکان گفتمانی، متن را پایه تشکیل جهان متن قرار می‌دهند. سؤال مطرح این است که آیا می‌توان با نظریه جهان متن ویژگی‌های عمده‌ای را که نویسنده در تولید این داستان به کار گرفته است و از طریق آن روایت داستانی را به پیش می‌راند و نیز بازنمودهای ذهنی خواننده را، شناسائی کرد؟ در این تحقیق با بررسی عناصری که نظریه جهان متن برای شناساندن جهان تولیدی و ادراکی نویسنده و خواننده معرفی می‌کند، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که این داستان عمده‌تاً ساخت روایی-گزارشی دارد و محوریت توصیف بر شخصیت‌پردازی استوار است و نیز با توجه به جهان زیرشمول^۴ غالب این داستان که از نوع اشاری و نگرشی است، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نویسنده عمده‌تاً با قراردادن خواننده در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، روایت داستان را به پیش رانده است و نیز اینکه تفکرات، خواست‌ها و نگرش‌های شخصیت‌های اصلی داستان در شکل‌گیری روایت داستانی و جهان ذهنی خواننده نقش پررنگی دارد.

واژه‌های کلیدی: نظریه جهان متن، بوطیقای شناختی^۵، جهان گفتمان^۶، جهان زیر شمول،

۱- مقدمه

یکی از فرضیات اصلی در معنی‌شناسی شناختی به باور لانگاکر^۷، این است که معنی‌شناسی را برابر با مفهوم‌سازی قرار می‌دهد و به این لحاظ با این فرض عمومی که معنی‌شناسی صرفاً تعیین ارزش صدق و کذب جملات است، مخالف است (کرافت، ۲۰۰۴: ۴۰). مطالعه نظام‌مند مفهوم‌سازی زبان، حیطه‌ای است که مدت‌ها مورد غفلت زبان‌شناسان بوده است. اکثر زبان‌شناسان قرن بیستم عمده‌تاً به مطالعه ساختار

^۱ - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ifashafaei@yahoo.com

^۲ - Guy de Maupassant

^۳ - Text World Theory

^۴ - Sub world

^۵ - cognitive poetics

^۶ - discourse world

^۷ - Langaker, R.

زبان می‌پرداختند و کمتر به فرایندهای ذهنی‌ای که طی آن زبان تولید و درک می‌شود، توجه نشان می‌دادند. درست پس آنکه در نیمه دوم قرن بیستم انقلاب شناختی^۱ رخ داد، زبان‌شناسان شناختی به بررسی هر چه تمام‌تر نحوه عملکرد ذهن/مغز انسان در پردازش‌های زبانی پرداختند. در این راستا مفاهیمی همچون، الگوهای شناختی آرمانی^۲ (۱۹۸۶) تجربیات جسم مدار^۳ (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹)، استعاره‌های مفهومی^۴ (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) و طرحواره‌ها^۵ (شانک^۶ و آبلسون^۷، ۱۹۷۷) مطرح گردیدند که هر یک یک به نوعی باز نمود ذهنی انسان را از تجربیاتش در جهان نشان می‌دهند. علاوه بر این، در بررسی جنبه‌های پیچیده روان‌شناختی، موضوع دیگری که مورد توجه قرار گرفت، نقش بافت در ارتباط زبانی است. به بیان دیگر باز نمودهای ذهنی‌ای که از طریق آنها ارتباط زبانی میسر می‌گردد، صرفاً بر پایه خود زبان نیست، بلکه تجارب پیشین فرد، دانش شخصی و محیط پیرامون نقش بسزایی در این رابطه بر عهده دارند (گاوینز، ۲۰۰۷: ۸).

در این راستا، نظریه جهان‌های متن نیز نظریه‌ای است که مبتنی بر همین فرضیات شناختی و تجربه‌گرایانه است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها وقتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، صحنه، فضا و جهان را در ذهن خود به تصویر می‌کشند (آبرگون و دیگران، ۲۰۰۰: ۲۴۴).

به نظر استاکول^۸ (۲۰۰۲: ۱۳۶) جهان متن رویداد زبانی است که شامل دست کم دو مشارک و همچنین بازنمایی حاوی بافتار برای ترکیب متن و بافت است، به عبارتی نظریه جهان متن الگوی پردازش زبان انسان است که بر اساس مفهوم بازنمایی ذهنی در روان‌شناسی شناختی و نیز اصول تجربی زبان‌شناسی شناختی مطرح شده است (صادقی، ۱۳۸۹). تمرکز اصلی این نظریه بر بررسی فرایندهای ارتباطی انسان قرار دارد.

نظریه جهان متن در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به وسیله «پل ورث»^۹ ارائه شد. بعدها افرادی مانند استاکول و جونا گوینز^{۱۰} آن را به کار بردند (همان). در این راستا «ورث» معتقد است که رهیافت روان‌شناختی‌ای را پایه‌ریزی نموده است که بر اساس آن می‌توان فرایندهای شناختی که در پس تولید و درک هر نوع ارتباط انسانی (مکالمه تلفنی، اجرای نمایشنامه، خواندن روزنامه و غیره) وجود دارد شناسایی کند (گاوینز، همان: ۶).

^۱ - cognitive revolution

^۲ - Idealized Cognitive Models

^۳ - embodied experience

^۴ - conceptual metaphors

^۵ - schemas

^۶ - Schank, R.

^۷ - Abelson, R.

^۸ - Stockwell, P.

^۹ - Werth, P.

^{۱۰} - Govins, J.

هدف این نظریه تحلیل جمله‌ها نیست؛ بلکه تحلیل کل متن و جهان‌هایی است که در ذهن خوانندگان ایجاد می‌شود. به این مفهوم که در این رویکرد سازوکار شناختی، ابزاری برای درک جهان متن داستان تلقی می‌شود و فرایند شناختی درک جهان متن به واسطه ذهن مخاطب در چارچوب نظریه جهان متن با تحلیلی خواننده محور صورت می‌گیرد. در اندیشه، جسم و ذهن جدایی ناپذیرند؛ بنابر این ما جهان را از خلال تجربه‌های جسمانه خود درک می‌کنیم. ذهن ما دارای طرحواره‌ها و قالب‌هایی از این تجربه‌ها است. وقتی با موقعیت تجربه شده روبرو می‌شویم، برای آن تجربه طرحواره‌ای می‌سازیم. انسان از بازنمایی‌های ذهنی خود یا جهان، متنی را شکل می‌دهد تا بتواند هر تکه زبانی را که با آن روبرو می‌شود، مفهوم‌سازی و درک کند (گاوینز، همان: ۱۰). چگونگی شکل‌گیری و به کارگیری این مفهوم‌سازی‌ها را جهان متن می‌نامند.

در این راستا ورث از برخی مفاهیم کلیدی که در زبان‌شناسی شناختی مطرح است به عنوان هسته-های اصلی تشکیل‌دهنده نظریه‌اش بهره می‌جوید. این مفاهیم شامل جهان‌های ممکن^۱ (ریان، ۱۹۹۱)، فضاهای ذهنی^۲ (فوکونیه، ۱۹۹۷)، مفهوم چارچوب یا قاب^۳ (فیلمور، ۱۹۸۲)، استعاره و مجاز مجاز است.

پیشرفت این نظریه با مرگ ورث (۱۹۹۵) دچار رکود شد، لکن علی‌رغم این مسئله، این نظریه به عنوان رویکرد قابل توجهی، تا سال‌ها پس از وی در جوامع علمی پا بر جا مانده است، اگرچه تغییراتی نیز در آن به وجود آمده است. این نظریه به عنوان واحد درسی در رشته‌های زبان‌شناسی، سبک‌شناسی، بوطیقای شناختی، روایت‌شناسی و نظریه‌های ادبی بارها ارائه گردیده است (گاوینز، همان: ۷).

در ادامه ابتدا مبانی اصلی این نظریه معرفی و سپس تحلیل شناختی داستان «اولین برف» اثر «گی دو مو پاسان» ارائه می‌شود. با استفاده از این نظریه می‌توان امکان درک و تحلیل متن را به گونه‌ای فراهم کرد که مفهوم‌سازی ذهنی نویسنده در متن و در پی آن مفهوم‌سازی ذهنی مخاطب در چارچوب نظری و علمی ارائه و از نقدها و تحلیل‌های شخصی جلوگیری شود (صادقی، ۱۳۸۹).

۲- نظریه جهان متن

همانطور که پیشتر اشاره شد، با استفاده از این رویکرد می‌توان به تعمیم‌های شناختی در خصوص نوشته‌های ادبی پرداخت (برند، ۲۰۰۵). نظریه جهان متن از سه لایه تشکیل شده است: لایه «جهان گفتمان»، «لایه جهان متن» و «لایه جهان زیرشمول». این نظریه، بررسی ارتباط زبانی و ذهن را از

1- Possible Worlds Theory

2- Ryan,

3- Mental Space Theory

4- Fauconnier,

5- frame

6- Fillmore,

7- Brandt,

بلافاصل‌ترین لایه که در تولید و درک گفتمان وجود دارد، آغاز می‌کند. این لایه که اولین لایه تشکیل دهنده نظریه جهان متن است لایه «جهان گفتمان» نامیده می‌شود. این لایه شامل دو یا چند مشارک زبانی است که یا به شکل رو در رو و یا از راه دور با یکدیگر محاوره دارند (لکن در هر صورت مشارکان به شکل هدفمند وارد این گفتمان می‌شوند). همچنین رویداد زبانی ممکن است به شکل نوشتاری در تمامی اشکال آن صورت پذیرد. در برخی موارد دو شرکت‌کننده در گفتمان در یک بافت فیزیکی به لحاظ زمان و مکان قرار دارند، لکن در برخی دیگر از موارد، هر یک از مشارکان گفتمانی در مکان و زمانی متفاوت از یکدیگر قرار دارند (گاوپنز، ۲۰۰۳: ۱۳۰). از آنجایی که این رویکرد، رویکردی شناخت‌گرا است، تعامل رو در رو بین انسان زنده و متفکر را به عنوان تعامل پیش‌نمونه در نظر می‌گیرد. محتوای این تعامل و همچنین بافت فیزیکی احاطه‌کننده آن، در لایه «جهان گفتمان» بررسی می‌شود. بر اساس این رویکرد عناصری که لایه «جهان گفتمان» را تشکیل می‌دهند، شامل انتظارات و محدودیت‌های حاکم بر محاوره و دانش فردی و اجتماعی است که در مفهوم‌سازی و به کارگیری زبان تأثیرگذار است (گاوپنز، ۲۰۰۷: ۹). در این بررسی که از نوع گفتمان نوشتاری است، این لایه بررسی نمی‌شود.

۲-۱- لایه جهان متن

«جهان گفتمان» نشان می‌دهد که چگونه دانش پیش‌زمینه‌ای/فرهنگی مشارکان و نیز بافت به مفهوم-سازی و درک گفتمان و تشکیل بازنمود ذهنی می‌انجامد. در لایه جهان متن، این ساختار مفهومی/بازنمود ذهنی خلق شده در ذهن به طور دقیق بررسی می‌شود (گاوپنز، ۲۰۰۳: ۱۳۰) و نشان می‌دهد که چگونه عناصر موجود در این لایه، خلق این بازنمودهای ذهنی را تسهیل می‌نمایند. این بازنمود ذهنی در واقع همان جهان متن خلق شده در ذهن است که خود لایه‌ای از این نظریه را تشکیل می‌دهد. این همانی شاید به این دلیل باشد که لایه اصلی تشکیل‌دهنده گفتمان در نظریه «جهان متن» لایه جهان متن است (صادقی، ۱۳۸۹). در این راستا ارتباط بین مفهوم‌سازی انسان از جهان و مفهوم‌سازی از گفتمان مد نظر است؛ اینکه چگونه درک ما از فضای فیزیکی و زمان در زندگی روزمره، در خلق جهان متن تأثیرگذار است. در واقع جهان متن، ساز و کار شناختی است که به وسیله آن درک صورت می‌پذیرد. در این راستا مشارکان گفتمانی از متن به منظور ساختن جهان متن بهره می‌جویند (خود متن پایه تشکیل جهان متن است).

در لایه جهان متن، فقط اطلاعاتی که بافت داستانی لازم را شکل می‌دهد حضور دارد که شامل «عناصر جهان‌ساز» و «گزاره‌های نقش‌گستر» است. عناصر جهان‌ساز زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در بستر آن رویدادهای متن به وقوع می‌پیوندد. این عناصر شامل زمان، مکان، اشیاء و اشخاص در آن جهان است (استاکول، ۲۰۰۲: ۱۳۷). از سوی دیگر، گزاره‌های نقش‌گستر شامل اعمال، رویدادها و وضعیت‌هایی

است که موجب پویائی متن می‌شوند و روایت را به پیش می‌برند. این گزاره‌ها شامل انواع صحنه گستر^۱، پیرنگ گستر^۲، شخص گستر^۳ و عادت گستر^۴ و هدف گستر^۵ (و غیره) است (استاکول، همان).

در لایه بعدی، «جهان زیرشمول» قرار دارد. زمانی که جهان متن خلق می‌شود، جهان‌های (بالقوه) بشمار دیگری نیز که با متغیرهای جهان متن اولیه تفاوت دارد نیز خلق می‌شود. به عبارت دیگر از درون جهان متن اولیه، جهان‌هایی پدید می‌آیند که با حرکت در زمان و مکان، خواننده را در موقعیت‌های متفاوتی از موقعیت اولیه متن قرار می‌دهند. این عزیمت‌ها از نقطه اولیه، لایه سوم نظریه جهان متن را شکل می‌دهد که همان لایه جهان زیرشمول است.

در ادامه هر یک از لایه‌های «جهان متن» و «جهان زیرشمول» بررسی و نشان داده خواهد شد که چگونه شناخت این عناصر در شناخت نوع روایت‌گری نویسنده و بازنمودهای خلق شده در ذهن خواننده، کمک خواهد کرد.

۲-۱-۱- عناصر جهان‌ساز

عناصر جهان‌ساز گفتمان در نگاه اول در واقع مرز مکانی و زمانی جهان متن خلق شده را معین می‌کند. در واقع این عناصر نشان می‌دهند که این گفتمان در چه مکانی (چه واقعی و یا تخیلی) روی می‌دهد. آنچه به ما در درک مفهوم مکانی که جهان متن در آن قرار دارد کمک می‌کند، عبارات اشاری (مکانی) است. عبارات اشاری شامل ۱- اسامی مکان ۲- قیدهای مکان مانند اینجا، آنجا، ۳- صفات اشاره‌ای مانند این، آن، ۴- افعال حرکتی مانند آمدن، رفتن است. عبارات اشاری در حوزه زبان به ما اجازه می‌دهند به جهان و اشیاء پیرامون خود ارجاع دهیم. نقطه صفر به عباراتی مانند من، اینجا و اکنون اشاره دارد. در خلال گفتمان، هر یک از مشارکان در جهان گفتمان آنچه را که در نظریه جهان متن، «جهان متن» نامیده می‌شود، به واسطه قرار دادن خود در این نقاط صفر در فرایند گفتمان به تصویر می‌کشند (آبرگون و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۴۴).

بین درک انسان از مکان و زمان ارتباط نزدیکی وجود دارد. تحقیقات زبان‌شناسی شناختی نشان می‌دهد که انسان زمان را به مثابه پدیده مکانی مفهوم‌سازی می‌کند. به عنوان مثال در قالب ساختی استعاره از نوع آینده در جلو و گذشته در عقب قرار دارد. درک اینکه گفتمان خاص به لحاظ زمانی در چه موقعیتی است توسط عبارات اشاری مشخص می‌شود. عناصر جهان‌سازی که به ما در درک متغیرهای زمانی «جهان متن» کمک می‌کنند عبارتند از ۱- اسم‌های زمان مانند دوران باستان، سه ماه قبل، ۲- قیدهای زمان مانند امروز، فردا، ۳- زمان دستوری و نمود در افعال. این عناصر جهان‌ساز به طور کلی عبارات اشاری زمانی و مکانی نامیده می‌شوند. عناصر اشاری دیگری نیز وجود دارند که به مشارک در

¹ - scene advancing

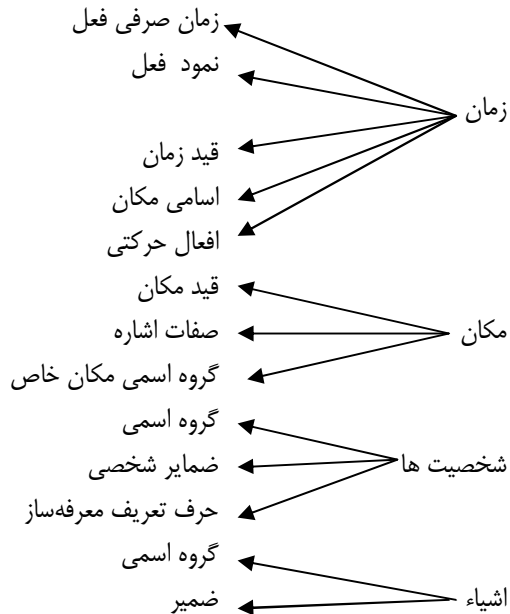
² - argument advancing

³ - Person advancing

⁴ - routine advancing

⁵ - goal advancing

ساخت جهان متن اولیه کمک می‌کند. این عناصر، عبارات اشاری مربوط به اشخاص، اشیاء و روابط بین آنها است. به طور کلی عناصر جهان‌ساز را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



در ادامه عناصر جهان‌ساز در پاراگراف اول از داستان «اولین برف» تعیین و نشان داده می‌شود و نیز اینکه چگونه این عناصر خوانش را به لحاظ مکان و زمان محدود می‌کند و آن را در موقعیت خاص داستان به لحاظ زمان، مکان، افراد و اشیاء قرار می‌دهد.

«خیابان دراز گردشگاه (کروازت) کنار آب لاجوردی می‌پیچد. آن پایین، طرف راست، صخره‌های کوهستان (استرل) تا دور دست‌ها در دریا پیش می‌رود، چشم‌انداز را سد می‌کند، زیبایی خاص جنوبی قله‌های نوک تیزش، چندان و عجیب، افق را می‌بندد. طرف چپ، جزیره‌های (سنت مارگریت) و سنت (اونورا) در آب خوابیده‌اند و گرده‌هایشان پوشیده از کاج پیداست. در طول خلیج پهناور، در طول کوه-های بلند که پیرامون (کن) نشسته‌اند، انبوه سفید ویلاهای انگار در آفتاب به خواب رفته از دور دیده می‌شود. خانه‌هایی سفید و پراکنده از بالا تا پایین تپه‌ها، لکه‌های کوچکی از برف روی سبزه تیره.»

نویسنده در ابتدای این داستان مکان جهان متن را با عبارتی مانند «خیابان گردشگاه» (کروازت) و صفات اشاره مانند «آن پایین»، «طرف راست»، «طرف چپ جزیره»، «در طول خلیج پهناور»، «از بالا تا پایین تپه‌ها»، «دور دست‌ها» در ذهن خواننده به تصویر می‌کشد. مکان دقیق جغرافیایی که با عبارات مکان «کروازت»، «جزیره‌های سنت مارگریت» و «سنت اونورا» موجب برانگیختن دانش قبلی خوانندگانی می‌شود که با این مکان‌ها آشنایی دارند. در این مورد نقش دانش فردی و فرهنگی در تشکیل بازنمودهای ذهنی و جهان متن، قابل دریافت است. نکته‌ای که در خصوص این پاراگراف وجود دارد این است که عبارات اشاری مکان، خیلی بیشتر از عبارات اشاری زمان است. در واقع زمان دقیق مشخص

نیست. در این پاراگراف به شخص خاصی ارجاع داده نشده است، اما اشیایی که در ساخت بازنمود ذهنی خواننده نقش دارند شامل «آب لاجوردی»، «صخره‌های کوهستان»، «دریا»، «کاج»، «ویلاهای سفید»، «لکه‌های کوچک برف» و «سبزه» است که به همراه دانش قبلی خواننده منجر به تشکیل جهان متنی (بازنمود ذهنی) می‌گردند که به لحاظ زمان و مکان محدود به متغیرهای فوق است. چنانکه اشاره گردید، در این پاراگراف هیچ گونه قید یا عبارت زمانی وجود ندارد، اما زمان و نمود افعال که عمدتاً از نوع زمان حال و نمود استمراری است، جهان متن را به لحاظ زمان محدود به زمان حال می‌کند و بازنمود ذهنی (جهان متن به لحاظ زمانی) که در ذهن خواننده ایجاد می‌گردد در زمان حال قرار دارد.

به کارگیری زمان حال روشی است که در آن نویسنده به خواننده کمک می‌کند که به طور خیالی به جهان متن کنونی انتقال پیدا کند و کاملاً در آن مستغرق گردد. مکان‌هایی که در ابتدا ذکر شده‌اند به جهان متن خواننده نزدیک‌ترند، به عنوان مثال در این پاراگراف «خیابان کنار آب لاجوردی» نزدیک‌تر از کوهستان، جزیره‌ها و ویلاها قرار دارد و این عناصر در نقاطی دور دست‌تر از خیابان قرار دارند. ترتیب واژه‌ها نه تنها دال بر اشارات مکان نزدیک‌تر است، بلکه در بازنمود ذهنی خواننده نیز برجستگی بیشتری دارد. عناصری که در جایگاه فاعل ظاهر می‌شوند و یا معرفه‌اند، در جهان متن خواننده از برجستگی بیشتری برخوردارند. به عنوان مثال در پاراگراف فوق «خیابان گردشگاه کروازت» که در ابتدا ذکر شده و در جایگاه فاعل قرار دارد، نسبت به مکان‌های دیگر، در جهان متن خواننده از برجستگی بیشتری برخوردار است. جدول زیر عناصر جهان‌ساز تشکیل‌دهنده این پاراگراف را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در روان‌شناسی شناختی به عنوان عوامل تاثیرگذار در جذب توجه انسان شناخته شده پدیده حرکت است. به بیانی دیگر اشیایی که حرکت می‌کنند در جهان متن از برجستگی بیشتری نسبت به پدیده‌های ساکن برخوردارند. چنانکه در این پاراگراف مشاهده می‌شود، افعالی همچون «می‌پیچد و پیش می‌رود»، نوعی پویایی در مکان را به تصویر می‌کشند.

عناصر جهان‌ساز	
زمان	حال
مکان	خیابان دراز گردشگاه کروازت
اشیاء	آب لاجوردی، کوه‌ها، ویلاها کاج، لکه‌های برف، سبزه، دریا

جدول ۱- عناصر جهان‌ساز

پاراگراف اول این داستان جهان متنی را برای خواننده ایجاد می‌کند که عمدتاً بازنمودی مکانی را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد و خواننده را در بستری از زمان حال قرار می‌دهد. این بازنمود مکانی برای

خواننده‌ای که با اسامی مکان‌های داستان آشنایی دارد، متفاوت از خواننده‌ای خواهد بود که فاقد این دانش است. در ادامه عناصر جهان‌سازِ کل داستان بررسی می‌شود:

زمان: گذشته، چهار سال پیش، تابستان، پائیز، زمستان، فصل برف، نزدیک ژانویه، اواخر دسامبر

اشخاص: زن و شوهرش

مکان: نورماندی، پاریس، شمال، جنوب

اشیاء: خانه سنگی، شومینه، دستگاه گرم‌کننده و غیره

بخش اعظم این داستان در زمان گذشته روی داده است، که عبارت زمانی «چهار سال پیش» و زمان دستوری افعال این بازنمود ذهنی را ایجاد می‌کند. اگرچه زمان دقیق این داستان مشخص نگردیده است، اشیایی همچون «کالسکه» و «شومینه» (به عنوان تنها وسیله گرم‌کننده)، جهان متن ایجاد شده در ذهن خواننده را به لحاظ زمانی محدود به زمانی پیش از آغاز زندگی ماشینی می‌کند. عبارات زمانی و مکانی دیگری که در این داستان وجود دارد شامل تابستان، پائیز، زمستان، فصل برف، نزدیک ژانویه، اواخر دسامبر و پاریس، شمال، جنوب نیز است که چنانچه در ادامه خواهیم دید تغییر در این عبارات زمانی و مکانی جهان‌ساز هر یک جهان‌های متن دیگری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که دارای زمان و مکان خاص خود است.

شخصیت‌های دیگری نیز در این داستان معرفی می‌شوند، مانند «آقای لوشاپلیه، پدر و مادر زن و پزشک»، اما در اکثر جملات زن و مرد در جایگاه فاعل قرار دارند و بنابر این نقش برجسته‌تری را در جهان متن خواننده ایجاد می‌کنند.

از میان اشیایی که در این داستان از آنها نام برده می‌شود، «دستگاه گرم‌کننده» به دلیل تکرار شدن بیشتر و نیز نقشی که در روایت داستان دارد، در جهان متن ایجاد شده در ذهن خواننده نیز از اهمیت و برجستگی بیشتری برخوردار است.

۲-۱-۲- گزاره‌های نقش‌گستر

این عناصر باعث پویایی یا حرکت روایت درون جهان متن می‌شوند و شامل فعل‌هایی‌اند که شخصیت‌ها را در تقابل یکدیگر و در برابر اشیاء پیرامونشان در صحنه‌ای توصیف می‌کنند، کنشی را به تصویر می‌کشند و یا بحثی را مطرح می‌کنند و در نتیجه باعث ساخته شدن حالت‌ها، کنش‌ها، رویدادها و فرایندها و هر استدلال و رویداد مرتبط با اشیاء و شخصیت‌ها در جهان متن می‌شوند (گاوینز، ۲۰۰۷: ۱۳۲). به باور استاکول، نقش‌گسترها به انواعی از جمله‌های روایی، توصیفی، گفتمانی و دستوری تقسیم می‌شوند که هر یک از آنها نیز به انواع اسنادی، کارکردی و کارگفتی خاصی طبقه‌بندی می‌گردد. انواع متن، نوع اسناد هر کدام، کارکرد هر یک از انواع متن و نیز کارگفت‌هایشان در جدول ۲- مشاهده می‌شود (صادقی، ۱۳۸۹).

نوع متن	نوع اسناد	کارکرد	کارگفت
روایی	کنشی	پیرنگ گستر	گزارش، برشمردن
توصیفی	صحنه	صحنه گستر	توصیف صحنه
	شخص	شخص گستر	توصیف شخصیت
	روال عادی	عادت گستر	توصیف عادت
گفتمانی	ربطی	موضوع گستر	فرض، نتیجه
دستوری	امری	هدف گستر	درخواست، فرمان

جدول ۲- انواع گزاره‌های نقش‌گستر

گزاره‌های نقش‌گستر باعث پویایی متن و حرکت آن به سمت جلو می‌شوند. متن به واسطه عناصر جهان‌ساز، که به نوعی عناصر داستانی‌اند و گزاره‌های نقش‌گستر، که روایت داستانی را پیش می‌برند، ساخته می‌شود و به لحاظ زبانی ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارند. در این تحقیق به طور تقریبی تمامی گزاره‌های نقش‌گستر این داستان بررسی شده‌اند.^۱ برای نمونه پاراگراف قبلی در این داستان بررسی می‌شود.

خیابان ← می‌پیچد (توصیفی - صحنه‌گستر - توصیف صحنه)

صخره‌های کوهستان ← در دریا پیش می‌رود (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

صخره‌های کوهستان ← چشم انداز را سد می‌کند (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

قله‌های نوک تیز ← افق را می‌بندد (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

جزیره‌ها ← در آب خوابیده‌اند (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

کوه‌های بلند ← نشسته‌اند (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

ویلاها ← در خواب رفته‌اند (توصیفی - صحنه گستر - توصیف صحنه)

ویلاها ← دیده می‌شوند (روایی - کنشی - گزارش)

لکه‌های کوچکی از برف ← دیده می‌شوند (روایی - کنشی - گزارش)

همانطور که ملاحظه می‌شود از تعداد ۱۰ گزاره در این پاراگراف، تعداد ۸ گزاره از نوع صحنه گستر و ۲ گزاره از نوع روایی است. بنابر این می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که این پاراگراف عمدتاً ساختی توصیفی دارد و بر توصیف صحنه متمرکز است. با بررسی کل این داستان ۲۵۵ گزاره تحلیل گردیده است که از این تعداد ۹۳ گزاره از نوع صحنه‌گستر و ۱۶۲ گزاره از نوع روایی و پیرنگ گستر بوده‌اند. بنابر این، این داستان عمدتاً ساختی روایی و پیرنگ‌گستر دارد. اما ویژگی‌های اندیشگانی متن با توجه به نوع جهان‌گفتمانی و جهان‌های زیرشمول شکل می‌گیرد.

^۱ - گزاره‌های نقش‌گستری که در جهان‌های زیرشمول بوده‌اند، تحلیل نشده‌اند.

۲-۲- جهان‌های زیرشمول

زمانی که جهان متن در ذهن خواننده شکل گرفت، جهان‌های بیشمار دیگری نیز از درون آن جهان متن اولیه پدید می‌آید، به عنوان مثال می‌توان از زمان حال به زمان گذشته و یا از مکانی به مکان دیگر حرکت کرد. این جهان‌های زیرشمول یا توسط خود مشارکان (خواننده و نویسنده) ایجاد می‌شود که در این صورت آن را «مشارک دسترس»^۱ می‌نامند و یا توسط شخصیت‌های اصلی داستان شکل می‌گیرد که در این حالت آنها را «شخصیت دسترس»^۲ می‌نامند. اما تغییر در عناصر زمانی و مکانی تنها وسیله برای ایجاد جهان‌های زیرشمول نیست. به عقیده ورت (۱۹۹۹)، بر اساس باورها و دیدگاه‌هایی که شخصیت‌ها در جهان متن اتخاذ می‌کنند، جهان‌های زیرشمول بر سه دسته «عبارات اشاری»^۳، «نگرشی»^۴ و «معرفت شناختی»^۵ تقسیم می‌شود. گاوینز این جهان‌ها را جهان‌های وجهی^۶ می‌نامد (گاوینز، ۲۰۰۳: ۱۳۱). دسته نخست سازه «وجه تصمیمی»^۷ است که درجه اجبار را به واسطه فعل‌های وجهی مانند توانستن، بایستن و غیره بیان می‌کند و جهان‌های «وجهی تصمیمی» را می‌سازند. سازه «وجهی آرزویی»^۸ برای بیان آرزو و خواسته مطرح می‌شود که به واسطه فعل‌هایی مانند خواستن، آرزو کردن و غیره برانگیخته می‌شود و جهان «وجهی آرزویی» را می‌سازد. در پایان، سازه «وجهی معرفت شناختی» است که دانش مشارکان و باورهای آنها را به واسطه فعل‌هایی مانند دانستن، فرض کردن، باورداشتن و غیره نشان می‌دهد و جهان «وجهی معرفت شناختی» را می‌سازد (گاوینز، ۲۰۰۷: ۱۳۲).

اما استاکول (۲۰۰۲: ۱۴۰) و ورت (۱۹۹۹) تقسیم‌بندی دیگری ارائه می‌دهند که بر اساس آن، می‌توان جهان‌های زیرشمول اشاری، نگرشی و معرفت شناختی را برشمرد. در ادامه ضمن معرفی و بررسی دقیق‌تر هر یک از این جهان‌ها، جهان‌های زیرشمول موجود در داستان «اولین برف» بررسی می‌شود. در این راستا نمونه‌هایی از عناصر زبانی محرک در خلق هر یک از این جهان‌ها و نحوه مفهوم‌سازی آنها در ذهن خواننده معرفی می‌شود. در پایان این بخش جدولی ارائه شده است که تا حد ممکن جهان‌های زیرشمول موجود در این داستان را به تصویر می‌کشد و بازایی مثال‌های ذکر شده را مقدور می‌سازد.

^۱ - participant accessible

^۲ - character accessible

^۳ - deictic sub world

^۴ - attitudinal sub world

^۵ - epistemic sub world

^۶ - modal worlds

^۷ - deontic modality

^۸ - boulomaic modality

۲-۲-۱- جهان‌های زیرشمول عبارات اشاری

جهان‌های زیرشمول عبارات اشاری شامل عزیمت به آینده و یا گذشته است. به طور کلی هر گونه تغییر در زمان و مکان فعل، جهان زیرشمول اشاری می‌سازد. به عنوان مثال در نقل قول مستقیم، جهان زیرشمولی شکل می‌گیرد که به لحاظ زمان و مکان از جهان متن اولیه متفاوت است. این جهان اغلب شامل تغییر از سوم شخص به اول شخص یا دوم شخص، واژگونی فاصله دور و نزدیک و دیگر مشخصه‌هایی است که به لحاظ اشاری در روایت گوینده مرکز قرار دارند. این در حالی است که نقل قول غیرمستقیم چنین تاثیری ندارد. به عنوان مثال این داستان با حضور زن در گردشگاه، در زمان حال آغاز می‌شود. سپس عبارت زمانی «چهار سال پیش» جهان زیرشمولی ایجاد می‌کند که با جهان متن اولیه به لحاظ زمان و مکان متفاوت است و به یادآوری زندگی زن در گذشته تعلق دارد. مجدداً عبارات زمانی و مکانی «تابستان، نورماندی، پائیز، زمستان، فصل برف، نزدیک ژانویه، پاریس، نورماندی، شش ماه پس از ژانویه، زمستان، اواخر دسامبر، ژانویه و شب» به ترتیب ۱۲ جهان زیرشمول اشاری در این داستان به وجود می‌آورند که هر یک از زمان و مکان جهان متن اولیه متمایزند. در دل هر یک از این جهان‌های زیرشمول اشاری، نقل قول‌های مستقیمی قرار دارد که هر کدام یک جهان زیرشمول اشاری دیگر پدید می‌آورند. به عنوان مثال، در جهان متنی که متعلق به «چهار سال پیش» در تابستان و در مکانی به نام «نورماندی» شکل گرفته است، زن می‌گوید «جای شادی نیست». در اینجا جهان متنی به وجود می‌آید که زمان آن حال است و به این ترتیب از جهان متن اولیه که زمان آن گذشته است، متمایز می‌شود. به همین ترتیب اشخاص نیز تغییر می‌کنند، به عنوان مثال در همان جهان متن پیشین، در نقل قول مستقیم از مرد که می‌گوید «نگو عادت می‌کنی» ضمیر دوم شخص مفرد در خطاب به زن به کار رفته است و به این ترتیب این جهان متن تولید شده هم به لحاظ شخص و هم به لحاظ زمان متفاوت است. در این داستان به طور کلی ۳۹ جهان زیرشمول اشاری اعم از زمانی/مکانی و نقل قول وجود دارد.

۲-۲-۲- جهان‌های زیرشمول نگرشی

یکی از اهداف اصلی در ارتباطات زبانی، برقراری و حفظ روابط اجتماعی است. به منظور دستیابی به این هدف مشارکان گفتگویی از عبارات زبانی متنوعی به منظور انتقال احساسات و عواطف خود به مشارک گفتگویی دیگر استفاده می‌کنند که در اثر آن جهان‌های زیرشمول نگرشی ایجاد می‌گردد (گاوینز، ۲۰۰۷: ۹۱). جهان‌های زیرشمول نگرشی در اثر تغییراتی در جهان متن اولیه ایجاد می‌شود که ناشی از آرزوها، عقاید یا اهداف مشارکان یا شخصیت‌های داستان است و به ترتیب «جهان زیرشمول آرزو»، «جهان زیرشمول عقیده» و «جهان زیرشمول هدف» را ایجاد می‌کند. گزاره‌هایی همچون «آرزو کردن، امید داشتن، خواستن، در رویا دیدن» و مفاهیم مشابه، جهان زیرشمول آرزو و گزاره‌هایی مانند «اعتقاد داشتن، باور داشتن، دانستن و فکر کردن»، جهان زیرشمول عقیده و گزاره‌هایی مانند «هدف داشتن، قول دادن، پیشنهاد دادن، درخواست کردن و تهدید کردن» جهان زیرشمول هدف را خلق می‌کنند (استاکول، ۲۰۰۲: ۱۴۰). قیده‌ها و عباراتی که مفاهیم مشابهی داشته باشند نیز موجب خلق جهان‌های زیرشمول نگرشی

می‌شوند، مانند «متاسفانه، خوشبختانه، جای نگرانی/امیدواری/تاسف است» و غیره. در ادامه فرایندی که طی آن خواننده (شنونده) طرز نگرش و تلقی نویسنده و یا شخصیت‌های این داستان را مفهوم‌سازی می‌کند، بررسی قرار خواهد شد.

در این داستان در جهان متن اولیه که در مکان «گردشگاه کروزات» است، ۲۶ جهان زیرشمول نگرشی خلق می‌شود. اولین جهان زیرشمول نگرشی با جمله «انگار بخواهد تکان‌هایی که رمقش را می‌گیرد متوقف کند» آغاز می‌شود. در اینجا جهان زیرشمول آرزویی خلق می‌شود که به واسطه وجود فعل خواستن است و خواننده آن را جدای از جهان متن اولیه مفهوم‌سازی می‌کند. چنانچه ملاحظه می‌شود این جهان، جهان خیالی است که زمان و مکان مشخصی ندارد و زن در این جهان خواهان چیزی است که در واقع نمی‌توان آن را انجام داد.

جهان زیرشمول عقیده‌ای با جمله‌های «زن می‌داند که به زودی می‌میرد... بهار را نخواهد دید... پا به مرگ است» شکل می‌گیرد. این جهان‌های متن همگی به لحاظ متغیرهای زمان و مکان از جهان متن اولیه در ذهن خواننده متمایز است، زیرا به جهان فکری زن تعلق دارد و فاقد مکان خاصی است و به لحاظ زمانی نیز به آینده‌ای نامعلوم تعلق دارد و رویدادهایی غیرقطعی را به تصویر می‌کشد.

در جهان متن دیگری که به «چهار سال پیش» باز می‌گردد، جهان زیر شمول نگرشی از نوع آرزویی وجود دارد که با جمله «(زن) خیلی دلش می‌خواست بگوید نه» در ذهن خواننده پدید می‌آید. در این جهان زیرشمول آرزویی زن تمنای شرایطی را در دل می‌پروراند که به ازدواج با جوان نورمندی پاسخ منفی بدهد، اما زمان این آرزو در ذهن زن به آینده تعلق دارد (برخلاف زمان جهان متن اولیه که در گذشته است) و در جهان متن اولیه خلاف آن رخ داده است، یعنی زن به ازدواج با جوان نورمندی پاسخ مثبت داده است. در نتیجه خواننده، جهان متن آرزویی را در ذهن خود و خارج از جهان متن اولیه مفهوم‌سازی می‌کند که به خواسته‌ای تحقق نیافتنی در آینده تعلق دارد. از آنجایی که این جهان‌های زیرشمول نگرشی که ذکر آن رفت از درون ذهن زن که یکی از شخصیت‌های داستان است، منتج می‌گردد آنها را «شخصیت دسترس» می‌نامند. در این داستان مجموعاً ۲۶ جهان زیرشمول نگرشی وجود دارد که عمدتاً از نوع جهان زیرشمول عقیده است.

۲-۲-۳- جهان‌های زیرشمول معرفت شناختی

جهان‌های زیرشمول معرفت شناختی، جهان‌هایی‌اند که به وسیله آن نظریه جهان متن به ابعاد احتمال و امکان در رویدادها می‌پردازد. این جهان با طرح‌های موجود، فرضی، احتمالی و ممکن ساخته می‌شود (ورث، ۱۹۹۹: ۲۱۶). به بیان دیگر، در جهان متن اولیه مجموعه‌ای از جهان‌های فرضی توسط مشارکان (خواننده/نویسنده) یا شخصیت‌های اصلی داستان تولید می‌شود که با گزاره‌هایی همچون، شاید، باید، ممکن است، احتمال دارد و ساخت‌های شرطی مانند «اگر... آنگاه...» و عباراتی مانند «لازم است که...»، «ممنوع است که...» همراه است. متغیرهای جهان‌های معرفت شناختی همانند جهان‌های اشاری و نگرشی حاوی تغییر در زمان، مکان، شخصیت و اشیاء است و به این ترتیب جهان امکانی به وجود

می‌آید که بافت غنی شده خود را (به لحاظ زمانی، مکانی، اشخاص و اشیاء) دارا است (استاکول، ۲۰۰۲: ۱۴۱). یکی از مفاهیمی که کاربرد این عبارات (باید/نباید) به همراه دارد، اعمال نوعی کنترل از جانب مشارکان و یا شخصیت‌های داستان است. همانند جهان‌های زیرشمول نگرشی، یک جهان دور خلق می‌شود و مشارکان و یا شخصیت‌های داستان طرز تلقی خودشان را نسبت به آن موقعیت بیان می‌کنند. در این داستان ۱۱ جهان زیرشمول معرفت شناختی وجود دارد. به عنوان نمونه جمله «انگار که بخواهد تکان‌هایی که رمقش را می‌گیرد متوقف کند» علاوه بر اینکه به واسطه فعل خواستن یک جهان زیرشمول آرزویی را پدید می‌آورد که از نوع «شخصیت دسترس» است، کاربرد واژه «انگار» به نوعی معنای احتمال را متبادر می‌کند، بنابر این جهان متنی در ذهن خواننده پدید می‌آید که فرضی است و نویسنده رویکرد خود را در خصوص صدق وقوع گزاره مطرح شده، با به کارگیری واژه «انگار» نشان می‌دهد. به بیانی دیگر به نظر نویسنده داستان، زن «احتمالاً» به این دلیل دستش را جلوی دهانش می‌گیرد که بتواند جلوی تکان‌ها را بگیرد. در اینجا خواننده، جهان متنی را در ذهن مفهوم‌سازی می‌کند که مربوط به رویکرد نویسنده است و به لحاظ زمان، مکان و اشخاص با جهان متن اولیه متفاوت است، زیرا در این جهان متن زمان، زمان فرضی در آینده است و به جای زن، نویسنده، شخصیت آن است و از این رو مشارک دسترس است.

در جهان متن دیگری که زمان آن به تابستان بازمی‌گردد، جمله «همه هفته را به «راستی» نوازش گرفت» جهان زیرشمول معرفت شناختی را مفهوم‌سازی می‌کند که در آن نویسنده میزان اعتقاد خود را در خصوص عمل انجام شده بیان می‌کند؛ واژه به «راستی» نشان دهنده نظر قطعی نویسنده درباره گزاره مطرح شده است. مانند مورد قبل این جهان متن مربوط به دنیای فرضی نویسنده است و از جهان متن اولیه متمایز است.

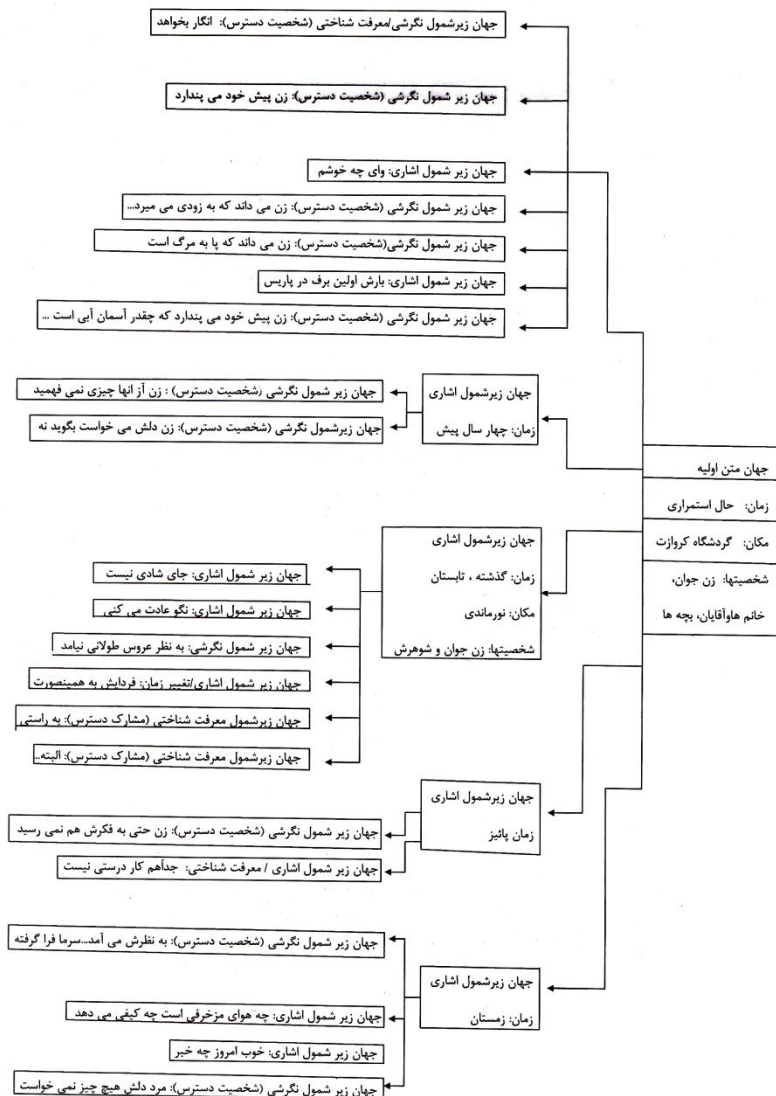
در جهان متنی دیگری که زمان آن در شب است، جمله «پس باید مریض می‌شد... باید سرفه می‌کرد»، جهان زیرشمول معرفت شناختی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند که از جهان متن اولیه متمایز است زیرا در این جهان عملی که در جهان واقعیت قرار نیست رخ بدهد، به اعتقاد شخصیت داستان باید رخ دهد، به بیان دیگر رخداد فرضی (بیمار شدن، سرفه کردن) در ذهن شخصیت داستان «باید» واقعیت به وقوع بپیوندد. زمان این جهان متن در آینده نامعلوم قرار دارد و به این سبب از جهان متن اولیه متمایز است و از آنجایی که رویکرد شخصیت داستان را نسبت به الزام رویداد- با به کارگیری واژه «باید»- نشان می‌دهد از نوع شخصیت دسترس است.

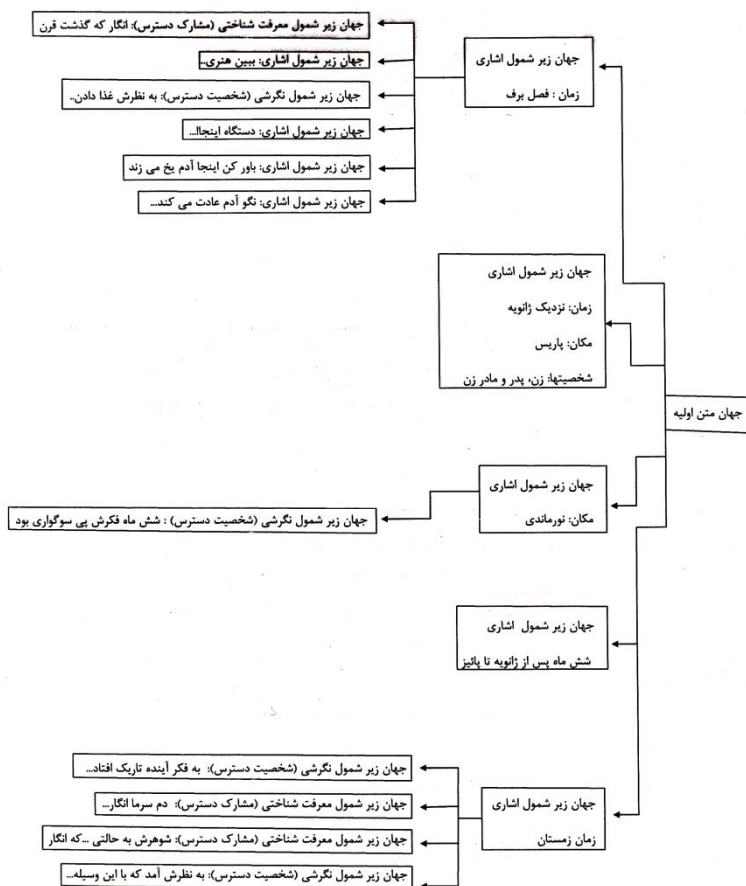
۳- نتیجه‌گیری

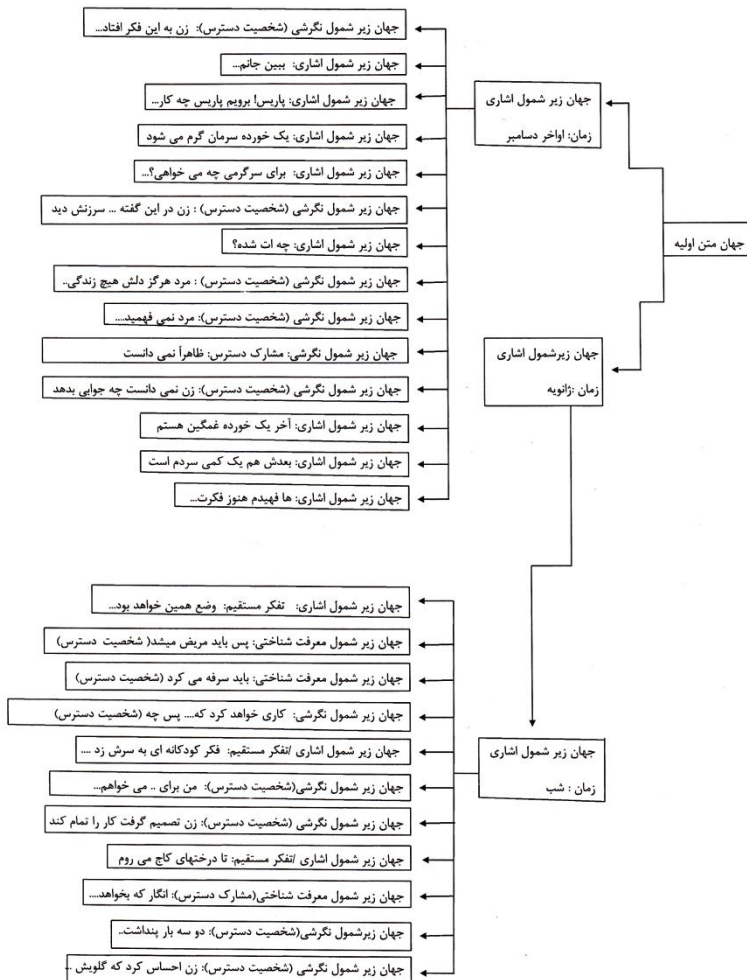
در تحلیل ساخت روایت این داستان ابتدا سازه‌های اصلی که نظریه «جهان متن» به منظور تحلیل گفتمان از منظر شناختی، معرفی می‌نماید، بررسی شد. این سازه‌ها شامل عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر است. سپس جهان‌های زیرشمولی که از جهان متن اولیه منتج می‌گردد شناسایی گردید. در مجموع در این داستان ۲۵۵ گزاره نقش‌گستر تحلیل گردید که از این تعداد ۹۳ گزاره، گزاره توصیفی

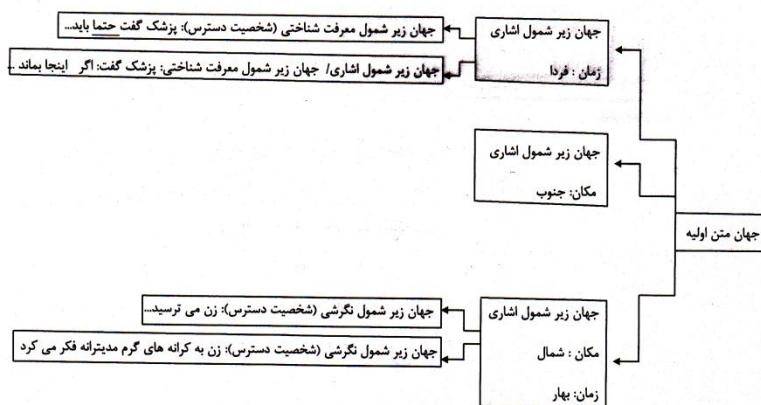
بودند و ۱۶۲ گزاره از نوع روایی و پیرنگ‌گستر تشخیص داده شد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که این داستان عمدتاً ساخت روایی- گزارشی دارد زیرا بیش از نیمی از داستان را گزاره‌های روایی تشکیل می‌دهند. در میان گزاره‌های توصیفی ۶۰ گزاره به توصیف شخص پرداخته است و مابقی در خصوص توصیف صحنه بوده‌اند؛ بر این اساس نیز می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محوریت توصیف، عمدتاً بر شخصیت‌پردازی متمرکز بوده است تا توصیف محیط پیرامون.

از دیگر ویژگی‌های این داستان، جهان‌های زیرشمول فراوانی است که در آن وجود دارد. چنانچه پیشتر نیز اشاره شد، در نگاه اجمالی به این داستان، جهان متن اولیه در بستری از زمان حال جاری است و نمود استمراری در اکثر افعال نشان از پویایی و نوعی حرکت است و خواننده را مستقیماً در بطن داستان قرار می‌دهد. جهان زیرشمول اشاری ثانویه با یک عقب‌گرد، با به یادآوری خاطرات زن آغاز می‌گردد. از این جهان متن نیز، جهان‌های زیرشمول اشاری استخراج می‌گردد که خود شامل جهان‌های اشاری، نگرشی و معرفت‌شناختی مربوط به خود است. جمعاً ۷۶ جهان زیرشمول از جهان متن اولیه منتج می‌گردد. ۱۱ جهان زیرشمول از نوع معرفت‌شناختی است. که ۷ تا از این جهان‌های زیرشمول معرفت‌شناختی از نوع مشارک دسترس و مابقی از نوع شخصیت دسترس است. تعداد کم جهان‌های زیرشمول معرفت‌شناختی، حاکی از میزان اندک اعمال کنترل نویسنده و شخصیت‌های داستان در روایت است. وجود جهان‌های زیرشمول معرفت‌شناختی فراوان، عمدتاً خاص ژانرهایی است که در آن نویسنده یا شخصیت‌های داستان دستورالعمل‌هایی را ارائه می‌دهند (مانند دفترچه راهنمای استفاده از هر نوع وسیله-ای) و در آن از باید/نبایدها و احتمالات زیادی صحبت می‌شود. ۲۶ جهان زیرشمول نگرشی (عمدتاً از نوع جهان زیرشمول عقیده) وجود دارد که همگی شخصیت دسترس است. ۳۹ جهان زیرشمول اشاری وجود دارد. تعداد برتر جهان‌های زیرشمول اشاری حاکی از آن است که در این داستان پردازی، نویسنده عمدتاً جریان داستان را با ایجاد تغییر در شرایط زمانی و مکانی به پیش رانده است و خواننده را به طور مداوم در فضا‌های مکانی و زمانی متفاوت قرار می‌دهد، به بیان دیگر، خواننده به طور مکرر جهان‌هایی را که به لحاظ متغیرهای زمانی و مکانی از جهان متن اولیه متمایز است، مفهوم‌سازی می‌کند. این ویژگی، داستان را بیشتر به داستانی واقع‌گرا بدل می‌کند. تعداد جهان‌های زیرشمول نگرشی نیز معنادار و بازتابی است از ورود مکرر نویسنده به جهان فکری و عقیدتی شخصیت‌های داستان و به تبع آن مفهوم‌سازی-هایی که خواننده از جهان‌های فکری و عقیدتی شخصیت‌های داستان می‌کند و این امر نشان‌دهنده این مطلب نیز می‌تواند باشد که نگرش‌ها و خواست‌ها و تفکرات شخصیت‌های اصلی داستان در شکل‌دهی به نظام روایت این داستان نقش مؤثری داشته است.









منابع

صادقی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوطیقای شناختی»، فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی س. ۳. ش. ۱۰.

صفوی، کورش (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی شناسی (چاپ دوم)، تهران: نشر سوره مهر.

گی دو موپاسان، هنری رنه آلبرت (۱۳۹۰). اولین برف و داستان های دیگر، ترجمه مهدی سبحانی، تهران: نشر مرکز

- Brandt, L. and P. A. Brandt. (2005). "Cognitive Poetics and Imagery". *European Journal of English Studies*. Vol. 9. No. 2. PP. 117-130
- Brown, G. and George Yule (1983). *Discourse Analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. and D. A. Cruse (2004), *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Emmott, C. (2000) 'Review: Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse', *Language and Literature*, 9(4): 371-377.
- Fauconnier, G. (1997) *Mappings in Thought and Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Fillmore, C.J (1982). Frame Semantics. In Linguistic Society of Korea (ed.) *Linguistics in the Morning Calm*. Seoul: Hanshin.

- Freeman, M. H. (2000). "Poetry and the Scope of Metaphor: Toward a Cognitive Theory of Literature" in *Metaphor and Metonymy at the Crossroads: A Cognitive Perspective*. Ed. Antonio Barcelona. Berlin and New York: Mouton de Gruyter. PP. 253-281.
- Gavins, J. and G. Steen. (2003). *Cognitive Poetics in Practice* London: Routledge.
- Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh University Press.
- Lakoff, G. and G. Johnson(1980). *Metaphors We Live By*. Chicago. University of Chicago Press.
- Lakoff, G.(1986). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press
- Lakoff, G.(1988). Cognitive Semantics, in U. Ecoetal (eds). *Meaning and Mental Representation*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Lakoff, G.and M. Johnson(1999). *Philosophy in the Flesh*, Chicago: University of Chicago Press.
- Langaker,
- De Obregón, P. H. and Others(2009). *Text World Theory in the EFL Reading Comprehension Classroom*. Memorials del v foro de Studios en Lenguas Internacional, Universidad Autónoma de Querétaro
- Ryan, M.L. (1991) *Possible Worlds, Artificial Intelligence and Narrative Theory*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge.
- Schank, R. and R. Abelson(1977). *Scripts, Plans, Goals, and Understanding: An Inquiry into Human Knowledge Structures*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.